

# **A Review of the Geographical Factors' Role in the Planning, Implementation and Results of Preliminary Valfajr Operation**

**Morteza Karimi<sup>1</sup>, Mohsen Radmehr<sup>2</sup>, Mohsen Ghaffari<sup>3</sup>**

## **Abstract**

Geographical factors have always played a decisive and vital role in the fate of a military operation. This issue has also been important in the planning and implementation of sacred defense operations. The preliminary Valfajr operation, that carried out on 1361/11/18 in the western sandy region of the Mishdagh heights, between Fakkeh and Chazzabeh, is one of these operations.

This study tries to investigate the geographical factors affecting the planning, implementation and results of preliminary Valfajr operation by using descriptive-analytical method. Basically, it has tried to answer the main question: what role did geographical factors play in the planning, implementation and results of the preliminary Valfajr operation?

The findings show that geographical factors also played a vital role in this operation. Among the natural geographical factors, "sand dunes" played the most important role in this operation. As a vegetation in operation, Amghar Forest has helped Islamic warriors in establishing field clinics, training camps and bases, equipping, organizing, directing and supporting the operating battalions in the southern axis. The natural geography of the area prevented the armor from being used properly for the operation. In addition to this natural barrier, artificial Iraqi man-made barriers have caused a key role in the failure of Islamic fighters in this operation.

**Keywords:** Preliminary Valfajr, Geographical factors, Sand, Barriers, Amghar Forest.

---

1- Ph.D. in Military Geography and Faculty Member, Imam Hussein (as) Complex University

2- Correspondent Author, Teacher and Lecturer, Imam Hussein (as) University for Training Military Officers and Guards

3- Lecturer of Imam Hussein (as) University for Training Military Officers and Guards

## بررسی نقش عوامل جغرافیایی در طرح‌ریزی، اجرا و نتایج عملیات والفجر

### مقدماتی

مرتضی کریمی<sup>۱</sup>، محسن رادمه‌ر<sup>۲</sup>، محسن غفاری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۷

### چکیده

عوامل جغرافیایی همواره در سرنوشت یک عملیات نظامی نقش تعیین‌کننده و حیاتی بر عهده داشته و دارند. این موضوع در طرح‌ریزی و اجرای عملیات‌های دفاع مقدس نیز حائز اهمیت بوده است. عملیات والفجر مقدماتی که در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۸ و در منطقه رملی غرب ارتفاعات میشداغ - حدفاصل فکه تا چزابه - اجرا شد، یکی از همین عملیات‌ها است. این پژوهش کوشیده است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، عوامل مؤثر جغرافیایی بر طرح‌ریزی، اجرا و نتایج عملیات والفجر مقدماتی را مورد کنکاش قرار دهد. اساساً این پژوهش در پی یافتن پاسخ این سؤال اصلی است که عوامل جغرافیایی چه نقشی در طرح‌ریزی، اجرا و نتایج عملیات والفجر مقدماتی داشته است؟ یافته‌ها نشان دادند عوامل جغرافیایی در سرنوشت این عملیات هم نقشی حیاتی بر عهده داشتند. از میان عوامل جغرافیای طبیعی، «رمل‌ها یا تپه‌های شنی» بیشترین تأثیر در سرنوشت عملیات والفجر مقدماتی را داشته‌اند. «جنگل عمقر» نیز به‌عنوان یک پوشش گیاهی در این عملیات به رزمندگان اسلام در ایجاد درمانگاه صحرائی، قرارگاه و بنه‌های تدارکاتی، تجهیز، سازمان‌دهی، هدایت و پشتیبانی گردان‌های عمل‌کننده در محور جنوبی کمک شایانی کرده است. همچنین دست‌کاری در جغرافیای طبیعی منطقه و ایجاد موانع مصنوعی دست‌ساز توسط دشمن بعضی در عدم موفقیت رزمندگان اسلام نقش اساسی ایفا نموده است.

**کلید واژه‌ها:** والفجر مقدماتی، عوامل جغرافیایی، رمل، موانع، جنگل عمقر.

۱- دکترای جغرافیای نظامی و عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۲- مدرس و پژوهشگر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع).

۳- پژوهشگر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع).

## ۱ - مقدمه:

تجاوز رژیم بعث عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران، یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن حاضر به شمار می‌آید. این جنگ تقریباً ۲ برابر جنگ جهانی اول، ۱/۵ برابر جنگ جهانی دوم و ۳ برابر جنگ کره به طول انجامید. این در حالی بود که در این جنگ به شدت نابرابر، رژیم بعث عراق از یک طرف مورد حمایت وسیع و همه‌جانبه ارتجاع عرب و استکبار جهانی قرار داشت که مصمم بودند به هر نحو ممکن با استفاده از جاه‌طلبی و بلندپروازی صدام حسین، رئیس‌جمهور خودکامه و دیکتاتور عراق، انقلاب اسلامی را سرکوب و یا حداقل منزوی و ساکت نمایند. شکست انقلاب اسلامی یکی از اهداف اصلی تهاجم سراسری عراق به ایران بود. سران استکبار جهانی درصدد بودند تا انقلاب اسلامی را قبل از تحکیم، در منطقه سرنگون کرده و با گسترش چنین انقلابی در منطقه غرب آسیا و جهان اسلام مقابله کنند.

تجاوز سراسری ارتش رژیم عراق از زمین، هوا و دریا به خاک جمهوری اسلامی در ۳۱ شهریورماه سال ۱۳۵۹، حادثه بسیار مهمی است که بررسی ابعاد آن برای نسل‌های بعدی انقلاب بسیار حائز اهمیت است. جنگی که رژیم بعث عراق حدود ۱۹ ماه پس از سقوط نظام شاهنشاهی به جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرد، برای ملت ایران نماد یک مقاومت ملی و یک دوره مملو از فداکاری‌ها و شجاعت‌های بی‌نظیر جوانان این مرزوبوم محسوب می‌شود.

این جنگ از مهم‌ترین جنگ‌های معاصر در غرب آسیا (خاورمیانه) به شمار می‌آید و به مراتب بیش از سایر جنگ‌های کشورهای جهان سوم، ماهیت بین‌المللی داشته است؛ چرا که از روزهای آغازین تا پایان آن، رژیم بعثی عراق همواره از پشتیبانی قدرت‌های بزرگ و حمایت همه‌جانبه اکثر رژیم‌های عربی منطقه برخوردار بوده است.

در طول جنگ ۸ ساله که از کم‌سابقه‌ترین و استثنایی‌ترین جنگ‌ها در عصر جهان دوقطبی و در دوران جنگ سرد بود، دو ابرقدرت وقت دنیا (آمریکا و شوروی) عملاً در یک جبهه واحد قرار گرفتند و کاملاً همسو با هم از رژیم بعثی عراق حمایت کردند. اکثر کشورهای عربی منطقه نیز این رژیم را با کمک‌های مالی گسترده خود یاری کردند و حتی کشورهایی مانند مصر و اردن در کنار عراق و صدام حسین قرار گرفتند.

دو ماه نخست جنگ یکی از آزمون‌های سخت برای ملت ایران بود. جوانان، مردم و نیروهای

مسلح ایران با مقاومتی بی‌نظیر و پس از یک سلسله عملیات پی‌درپی توانستند دشمن را در دسترسی به اهداف خود ناکام بگذارند.

در ادامه این جنگ، رژیم بعثی عراق علاوه بر حملات زمینی و بمباران‌های هوایی، از موشک‌های زمین به زمین و سلاح‌های شیمیایی برای حمله به مردم غیرنظامی استفاده کرد. این کشور همچنین در سال‌های پایانی، جنگ را با حمله به نفت‌کش‌ها و پایانه‌های نفتی در خلیج فارس گسترش داد. حملات بی‌رحمانه عراق به مناطق مسکونی و مردم غیرنظامی، خسارت‌ها و تلفات زیادی به غیرنظامیان ایران وارد آورد.

ایران در این تجاوز موفق شد تا با تکیه بر نیروی ایمان، رهبری بی‌نظیر حضرت امام خمینی (ره)، ابداع شیوه‌های نوین جنگ، حمایت بی‌دریغ مردم و حضور گسترده آن‌ها در میدان‌های جنگ، پس از اجرای حدود ۱۰۰ عملیات با مقیاس‌های مختلف، نیروهای ارتش متجاوز بعثی را از خاک خویش بیرون براند و مانع از دستیابی رژیم بعث عراق به مقاصد و اهداف خود گردد. با اینکه رژیم بعث عراق در ماه‌های آغازین جنگ، ابتکار عمل را در دست داشت، اما نتوانست جنگ را آن‌چنان که می‌خواست ادامه داده و به پایان برساند. صدام به دلیل مقاومت جانانه مردم ایران، در دام جنگی گرفتار شد که خود آغازگر آن بود و سال‌های طولانی برای رهایی از آن تلاش کرد.

رزمندگان اسلام توانستند در سال دوم جنگ با رهبری‌های داهیه‌ای و الهی امام راحل، با انجام چهار عملیات ظفرمند طریق‌القدس، ثامن‌الائمه، فتح‌المبین و بیت‌المقدس، از مجموع ۱۵۰۰۰ کیلومتر مربع که تحت اشغال دشمن بود، حدود ۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع آزاد کنند. این عملیات‌ها، نگرش و باور جهانی را نسبت به رزمندگان اسلام تغییر داد و شگفتی و حیرت‌زدگی محافل و افکار جهانی را موجب شد. همچنین موازنه قدرت را به نفع ایران تغییر داد، به گونه‌ای که شورای امنیت بلافاصله واکنش نشان داده و پس از چندین ماه سکوت معنادار، قطعنامه صادر نمود. پس از فتح خرمشهر، ورود به خاک متجاوز به منظور تأمین مرزها و برقراری امنیت شهرهای مرزی جمهوری اسلامی ایران و تنبیه متجاوز در اولویت قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران به منظور تثبیت مواضع دفاعی رزمندگان اسلام و سلب فرصت سازمان‌دهی مجدد از دشمن و نیز فعال کردن محافل سیاسی در راستای تصمیم‌گیری جدی و عادلانه برای حل مناقشه، در بعضی از

خطوط دفاعی، عبور از مرزها و تصرف مناطق راهبردی دشمن را در دستور کار قرار داد. این تدبیر نه تنها خردمندانه، بلکه منطبق بر فنون دفاعی و حتی موازین بین‌المللی بود. ایران می‌کوشید تا با در پیش گرفتن راهبرد تعقیب و تنبیه متجاوز و اجرای عملیات در خاک او با هدف خاتمه جنگ و رسیدن به صلح شرافتمندانه و منهدم ساختن بخشی از ارتش عراق، از تهدیدهای آینده آن بکاهد و اصطلاحاً به نقطه بازدارندگی برسد؛ به طوری که دشمن دیگر فکر حمله به ایران را هم نکند. در چنین شرایطی، ایران می‌توانست به مراجع بین‌المللی فشار آورد تا دولت عراق را به عنوان رژیم متجاوز بشناسند و امکان حقوقی تنبیه و مجازات متجاوز را فراهم آورند و راهی را برای دریافت خسارت‌های جنگ تعیین کنند. چنانچه مخالفان داخلی رژیم بعثی اقداماتی صورت می‌دادند، ایران می‌توانست به مردم عراق برای سرنگونی صدام حسین و رژیم بعثی کمک کند. همچنین رسیدن قوای ایران به ساحل شط‌العرب، امکان آمادگی برای تهدید کامل شهر بصره را به عنوان یک هدف راهبردی سیاسی نظامی برای قبولاندن شرایط ایران (تحمیل اراده سیاسی ایران به عراق) فراهم می‌آورد. بر همین اساس، ایران دست به اجرای یک سری عملیات برون مرزی زد. عملیات والفجر مقدماتی یکی از این عملیات‌ها بود که پس از عملیات رمضان و محرم در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۱ انجام شد.

## ۲- بیان مسئله:

سال سوم جنگ در حالی شروع می‌شد که کام ملت ایران از ناکامی در عملیات رمضان تلخ بود. ارتش عراق پس از ناکام گذاشتن نیروهای ایرانی در عملیات رمضان با برطرف کردن نقاط ضعف خود و به‌منظور گرفتن زمان و فرسایشی کردن جنگ، جلوگیری از پیشروی قوای ایرانی را در دستور کار خود قرار داد. خطوط دفاعی خود را تکمیل و آن‌ها را با انجام عملیات گسترده مهندسی به‌شدت مستحکم کرد. صدام با ایجاد جیش‌الشعبی یا همان ارتش خلقی، واحدهای ارتش بعث را توسعه داد.

از طرفی ورود رزمندگان اسلام به عراق در عملیات رمضان، باعث گرایش بیشتر آمریکا به عراق شد. چرا که حضور ایران در عراق تهدید مستقیمی برای کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس که حافظ منافع آمریکا بودند، محسوب می‌شد.

از سویی دیگر، به دست نیاوردن نتایج مطلوب از عملیات رمضان باعث شد تا ایران به مناطق

دیگر جبهه‌های جنگ نیز بیندیشد. از این رو حدود دو ماه پس از عملیات رمضان، برنامه‌ریزی و اجرای عملیاتی به نام «مسلم بن عقیل» در منطقه سومار در دستور کار فرماندهان جنگ قرار گرفت. پس از عملیات مسلم بن عقیل، عملیات دیگری موسوم به محرم در تاریخ ۱۰ آبان ماه ۱۳۶۱ در منطقه موسیان و جنوب دهلران تا فکه انجام شد. هدف این عملیات، آزادسازی سرزمین‌های اشغالی ایران در اطراف ارتفاعات و کوه‌های مرزی حمرین در جنوب دهلران و در منطقه بین فکه تا شهر دهلران بود.

در عملیات محرم، جاده عین‌خوش - دهلران به طول ۱۰۰ کیلومتر از زیر دید و تیر دشمن خارج شد. شهرهای موسیان و دهلران و پادگان عین‌خوش از زیر آتش توپخانه دشمن خارج و سلسله جبال حمرین نیز آزاد شد. در این عملیات، حدود ۵۵۰ کیلومترمربع از خاک کشور آزاد و حدود ۳۰۰ کیلومترمربع از خاک عراق در نوار مرزی به تصرف قوای ایرانی درآمد (علایی، ۱۳۹۵: ۵۸۲).

عدم موفقیت رزمندگان اسلام در عملیات رمضان، پیشروی در شرق بصره را دور از دسترس نشان می‌داد؛ اما پیروزی در عملیات محرم و تسلط بر زمین‌های تخت استان میسان، دستیابی به شهر العماره عراق - که به‌عنوان تهدید هم‌زمان علیه دو شهر بصره و بغداد محسوب می‌شد - را امکان‌پذیر کرده بود. پس از عملیات محرم، فرماندهان جنگ با هدف تصرف پل غزیه و پیشروی به سوی شهر العماره عراق، منطقه رملی غرب ارتفاعات میشداغ - حدفاصل فکه تا چزابه - را برای انجام عملیات سرنوشت‌ساز «الفجر» انتخاب کردند. هم‌زمانی این عملیات با ایام دهه فجر سبب شد نام «الفجر» بر آن گذاشته شود. پیش‌بینی می‌شد که این عملیات وضعیت تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت جنگ داشته باشد، لیکن چنین نشد و به همین دلیل پسوند «مقدماتی» به کلمه والفجر افزوده شد و به نام «الفجر مقدماتی» شهرت پیدا کرد. عملیات والفجر مقدماتی در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۸ در منطقه عمومی فکه به اجرا درآمد.

این پژوهش در پی آن است که با واکاوی عوامل مؤثر جغرافیایی بر طرح‌ریزی، اجرا و نتایج عملیات والفجر مقدماتی، نقش این عوامل را در نتیجه این عملیات مورد بررسی قرار دهد. از این رو کوشیده است تا به این سؤال اصلی پاسخ دهد که عوامل جغرافیایی چه نقشی در طرح‌ریزی، اجرا و نتایج عملیات والفجر مقدماتی داشته است؟

### ۳- ادبیات نظری و تعریف مفاهیم:

#### ۱- ۳- منطقه عملیات والفجر مقدماتی:

منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی از شمال به ارتفاعات میشداغ و برقازه، از جنوب به هورالهوریزه، از شرق به چزابه و شهرستان و از غرب به شهر العماره عراق و رودخانه دجله منتهی می‌شود. در این منطقه رودخانه‌های متعددی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها دو رودخانه مهم «دویرج» و «میمه» می‌باشد. ارتفاعات میشداغ، جنگل عمقر، تپه دوقلو، رودخانه دویرج، رمل، هورالعظیم، پاسگاه‌های مرزی ایران و عراق و موانع مصنوعی ارتش بعث از مهم‌ترین عوامل جغرافیایی طبیعی و مصنوعی منطقه عملیات می‌باشند.

#### ۲- ۳- ارتفاعات میشداغ:

ارتفاعات میشداغ در ۸۵ کیلومتری شمال شرق اهواز قرار دارد و از شمال بستان آغاز می‌شود و تا نزدیکی‌های رودخانه کرخه در محدوده عبدالخان ادامه دارد. جهت آن‌ها شمال غرب - جنوب شرق بوده و به تپه‌های رقابیه در جنوب غربی فکه منتهی می‌شود. در تقسیمات کشوری به عنوان مرز شهرستان دشت آزادگان و شوش شناخته می‌شود. میشداغ مرتفع‌ترین منطقه دشت آزادگان محسوب می‌شود و ارتفاع بلندترین قله آن ۲۷۰ متر است. این ارتفاعات به علت دید مناسب آن در منطقه و تسلطش بر شهرهای بستان و سوسنگرد، در طول جنگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و با آغاز جنگ به اشغال دشمن در آمد. جنوب این ارتفاعات یکی از محورهای اصلی در آزادسازی سوسنگرد و بستان بود و در مرحله دوم عملیات فتح‌المبین، به‌طور کامل به دست نیروهای خودی افتاد و بعدها به یکی از محورهای هجوم به دشمن تبدیل شد. تنگ ذلیجان یکی از معابری است که در محل تلاقی دامنه ارتفاعات میشداغ و تپه‌های رملی قرار دارد و دشت چهیلا در دامنه شرقی این ارتفاعات را با منطقه فکه مرتبط می‌سازد. در گذشته، مردم بومی و تجار محلی برای تردد و جابه‌جایی کالا به عراق از این گذرگاه استفاده می‌کردند. در عملیات فتح‌المبین، مسیر این گذرگاه به جاده تبدیل و در عملیات والفجر مقدماتی از آن برای رسیدن به مرز بهره‌برداری شد. تنگ میشداغ (تنگ صعده) نیز در شمال غربی بستان و جنوب این ارتفاعات قرار دارد و دشت چهیلا را به تپه‌های رملی شمال کرخه متصل می‌کند (پورجباری، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

### ۳-۳ - پاسگاه‌های مرزی منطقه فکه - چزابه:

پاسگاه فکه ایران در انتهای جاده چنانه - فکه در یک دشت کاملاً باز و مقابل پاسگاه الفکه عراق واقع شده است. این پاسگاه در گذشته‌های دور، مرزبانی درجه دو و دارای گمرک و محل تردد اتباع دو کشور بوده است. ساختمان پاسگاه قبل از جنگ به سبک کاروانسرای شاه عباسی و مصالح آن آجر و گل بود. در روز ۲۵ شهریور ۱۳۵۹ نیروهای لشکر ۱ مکانیزه عراق که هدفشان تصرف شهر شوش بود، به این پاسگاه حمله کردند و با مدافعین پاسگاه که اکثراً نیروهای تیپ ۳۷ شیراز بودند، مواجه شدند. فردای آن روز نیروهای عراقی دو بار به پاسگاه حمله کردند که با دفاع مدافعین پاسگاه، حمله دشمن ناموفق ماند و چند دستگاه تانک دشمن منهدم شد.

پاسگاه دویرج در کنار جاده مرزی فکه - چزابه و در ۱۰ کیلومتری جنوب پاسگاه فکه قرار دارد و فاصله این پاسگاه تا مرز حدود ۲۰۰ متر است. قبل از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، رودخانه دویرج از این نقطه عبور می‌کرد؛ اما بعد مسیر رودخانه را عوض کردند. این پاسگاه مانند پاسگاه‌های طاووسیه و رشیدیه و صفریه جزء اولین نقاط تهاجم دشمن بود.

پاسگاه طاووسیه در ۶ کیلومتری پاسگاه دویرج و کنار جاده فکه - چزابه قرار دارد که در اولین روزهای جنگ مورد هجوم دشمن قرار گرفت و اشغال شد. در عملیات والفجر مقدماتی، از محورهای حمله به دشمن بود. در جریان تفحص شهدا، این پاسگاه با محدوده اطراف آن شاهد کشف شهدای بسیاری بوده است. مقتل ۱۲۰ شهید فکه در نزدیکی آن قرار دارد.

پاسگاه رشیدیه بین پاسگاه طاووسیه و پاسگاه صفریه در غرب جاده فکه - چزابه قرار دارد و فاصله آن تا مرز کمتر از ۱ کیلومتر است. روبروی این پاسگاه در عراق، پاسگاه رشیدیه عراق قرار دارد. ارتش عراق در ۲۵ شهریور ۱۳۵۹ قبل از آغاز رسمی جنگ به این پاسگاه حمله کرد. این پاسگاه و محدوده اطراف آن یکی از محورهای مهم عملیات والفجر مقدماتی بود.

پاسگاه صفریه در جنوب پاسگاه رشیدیه و شمال پاسگاه سوبله و در کنار جاده فکه - چزابه قرار دارد. این منطقه نیز در اوایل جنگ شاهد مقاومت نیروهای مستقر در پاسگاه در برابر دشمن یعنی بوده است. از نزدیکی پاسگاه صفریه، جاده‌ای به سمت چپ منشعب می‌شود که به طرف جنگل عمق و تپه‌های نبعه می‌رود و در عملیات والفجر مقدماتی یکی از محورهای اصلی عملیات بوده است.



پاسگاه سوبله در شمال تنگ چزابه و در غرب جاده فکه - چزابه واقع است و فاصله آن تا بستان ۱۷ و نیم کیلومتر، تا پاسگاه صفریه ۱۲ کیلومتر و تا مرز عراق حدود ۱۵ متر است (همان، ۱۶۲).

#### ۴ - ۳ - هورالهوریه:

هورالهوریه که به هورالعظیم هم معروف است، در غرب منطقه دشت آزادگان به طول حدود ۷۵ کیلومتر و عرض ۴۰ کیلومتر با وسعتی در حدود ۳ هزار کیلومتر مربع گسترده شده است و از شمال به تنگ چزابه و یال جنوبی هورالسنان، از جنوب به دشت نشوه، از شرق به دشت آزادگان و هویزه و از غرب به رودخانه دجله و جاده العماره - بصره محدود می‌شود. آب رودخانه‌های دجله، کرخه نور، دویرج و میمه و باران‌های فصلی، آن را تغذیه می‌کند. هورالهوریه یک مانع طبیعی برای تحرکات نظامی محسوب می‌شود. مهم‌ترین مجرای خروجی هورالهوریه کانال سوئیب است که به صورت یک آبراه طبیعی، آب هور را به اروندرود هدایت می‌کند (پورجباری، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

#### ۵ - ۳ - جنگل عمقر

جنگل عمقر در جنوب تنگه ذلیجان واقع و از انبوه درختان گز تشکیل شده است. به دلیل ارتفاع زیاد درختان این ناحیه، در عملیات والفجر مقدماتی، عمده نیروهای سپاه هفتم حدید، قرارگاه‌ها و بنه‌های تدارکاتی خود را در زیر این درختان احداث کرده بودند. در شب عملیات از این محل برای تجهیز، سازمان‌دهی، هدایت و پشتیبانی گردان‌های عمل‌کننده در محور جنوبی استفاده شد.

#### ۶ - ۳ - تپه دو قلو

در نزدیکی پاسگاه رشیدیه، تپه‌های رملی وجود دارد که به تپه دو قلو مشهورند. ارزش نظامی این تپه‌ها برای دشمن به حدی بود که گرداگرد آن‌ها خطوط پدافندی مستحکمی ایجاد کرده بود. در عملیات والفجر مقدماتی این تپه‌ها به دست رزمندگان اسلام افتاد، ولی به سبب استحکامات و موانع فراوان ایجادشده توسط دشمن، پاک‌سازی آن‌ها تاکنون میسر نشده است.

### ۷-۳- رودخانه دویرج

رودخانه دویرج از جمله رودخانه‌های فصلی منطقه است که بیشتر سال، آب در آن جاری است و به سبب فصلی بودن، عرض بستر آن از ۱۰۰ تا ۲۰۰۰ متر در نوسان می‌باشد. این رودخانه در منطقه فکه به داخل خاک عراق هدایت شده و به هورالهفل و هورالسناف می‌ریزد. در مواقع بارندگی، طغیان آب رودخانه به حدی است که هرچه جلوی آن باشد را با خود می‌برد؛ این امر در عملیات محرم مشکلات اساسی را در پی داشت. پل چم سری در منطقه شراهانی و پل بیس در منطقه فکه روی این رودخانه احداث شده است. در آغاز جنگ، ارتش عراق جهت عبور یگان‌های لشکر ۱۰ زرهی به سمت تنگه ابوغریب، در منطقه چم هندی اقدام به احداث پل روی دویرج نمود که در عقب‌نشینی خود، آن را منهدم کرد.

### ۸-۳- جبل فوقی

در دامنه غربی ارتفاعات حمزین، در حاشیه دشت مرزی عراق، حد فاصل پاسگاه عراقی الحلیله و دشت بزرگان، تپه‌هایی نسبتاً مجزا دیده می‌شود که به جبل فوقی معروف است. این بلندی‌ها در اثر فرسایش و آبرفت زیاد به صورت صخره و طبقات موازی در آمده است. در عملیات والفجر ۱، دست‌یابی به این تپه‌ها از اهداف اصلی عملیات بود.

### ۹-۳- علت انتخاب منطقه عملیات:

به‌منظور بررسی منطقه مناسب برای عملیات والفجر، در ستاد قرارگاه مرکزی کربلا دو طرح سپاه در جنوب و ارتش در شمال منطقه فکه مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفت. سپاه پاسداران، منطقه جنوب فکه را برای عملیات بزرگ والفجر به این دلیل پیشنهاد داد که زمین‌های جنوب فکه شنزار و رملی بود و می‌توانست کمبود نیروی خودی را به دلیل عدم تصور ارتش عراق از امکان هجوم از این ناحیه تا حدی جبران کند. به این ترتیب، برتری توان تسلیحاتی و تجهیزاتی دشمن تا حدی خنثی می‌شد. در طرح مانور قوای خودی، پیش‌بینی شده بود که یگان‌ها هنگام اجرای عملیات با قدرت اصلی و نقاط قوت دشمن مواجه نشوند. فرماندهان ارتش با طرح سپاه در عملیات والفجر مقدماتی موافق نبودند و بنا به دستور، در پشتیبانی این عملیات وارد شدند. نیروی زمینی ارتش نیز منطقه زمین‌های شمال فکه را به دلیل عارضه‌دار بودن زمین و

راحت بودن مانور نیروهای پیاده در آن، امکان انهدام قوای دشمن روی ارتفاعات حمزین، محدودیت مانور نیروهای زرهی دشمن و همچنین تحمیل خط پدافندی جدید به قوای دشمن در صحرا و دشت پیشنهاد کرد (علایی، ۱۳۹۱: ۵۸۱).

سرهنگ قویدل در جلسه بعد از ظهر ۶ بهمن ۱۳۶۱، مشکلات منطقه عملیات را نداشتن عقبه و عمق دار بودن هدف عنوان کرد (لطف‌الله زادگان، ۱۳۹۲: ۴۵۳).

به هر حال پس از بررسی‌ها قرار شد ابتدا طرح سپاه با کمک واحدهایی از ارتش به اجرا در آید. البته پس از اجرای عملیات والفجر مقدماتی، عملیات والفجر ۱ نیز در منطقه پیشنهادی ارتش انجام شد.

عبدالمحمد رئوفی نژاد فرمانده لشکر ۷ ولی عصر در زمان عملیات در خصوص علت انتخاب این منطقه برای عملیات می‌گوید: «منطقه‌ی عملیات والفجر مقدماتی بعد از اجرای عملیات محرم انتخاب شد. دلیل انتخاب این بود که بعد از چند عملیات سنگین در جنوب، مثل طریق‌القدس، ثامن‌الائمه، بیت‌المقدس و مخصوصاً رمضان مشخص گردید با توجه به حساسیت منطقه‌ی جنوب و آمادگی دشمن، منطقه به شکلی قفل شده و امکان اجرای عملیات در اینجا نیست؛ به همین دلیل منطقه‌ی دیگری انتخاب شد و روی آمادگی و تجهیزات دشمن که حالت نابرابری با تجهیزات ما داشت، بحث شد و به این نتیجه رسیدیم که منطقه‌ای برای اجرای عملیات انتخاب کنیم که سختی زمین را بپذیریم و با این کار کمبود تجهیزات را در جنگ با ارتش عراق جبران کنیم. در واقع جاهای سخت را انتخاب کنیم تا با غافلگیر کردن دشمن بتوانیم به موفقیت دست یابیم. به همین دلیل منطقه عملیاتی محرم انتخاب شد که عملیات موفقی هم بود. بعد از عملیات محرم احساس شد که در پایین دست همین محل، منطقه‌ای است که دشمن در آنجا حساسیت چندانی نشان نداده است و می‌توان از اصل غافلگیری استفاده کرد؛ به خصوص اینکه نیروی استقراری دشمن در این منطقه ضعیف و ناچیز است. از طرفی امکان دسترسی به اهداف مهم یا تهدید شهرهایی مثل بصره و العماره برای ما وجود دارد. به همین خاطر، پایین دست منطقه عملیاتی محرم انتخاب گردید، یعنی منطقه عمومی جنگل عمقر که از فکه شروع و تا چزابه ادامه پیدا می‌کرد» (سالمی نژاد، ۱۳۹۷: ۲۸).

او در ادامه می‌گوید: با توجه به اینکه جاده آسفالته از سمت بستان به چزابه بود و جاده مرزی هم در همان قسمت وجود داشت و عراقی‌ها در آنجا حضور داشتند، دشمن خیالش از بابت این مناطق راحت بود. به طور کلی در قسمت‌هایی که موانعی مانند باتلاق، تپه رملی و یا آب وجود داشت، عراقی‌ها نسبت به آن منطقه حساس نبودند. در این منطقه نیز از چزابه تا نزدیکی‌های فکه، تپه‌های ماسه‌ای وجود داشت و ما و عراقی‌ها مطمئن بودیم که هیچ‌کس در این مسیرها تردد نمی‌کند.

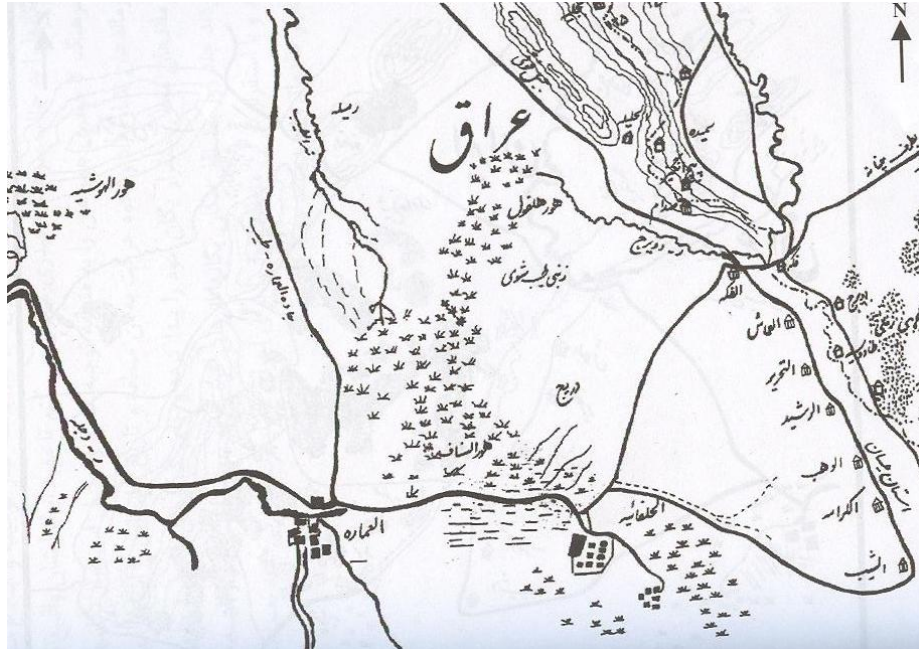
در این منطقه همچنین درخت‌های پراکنده‌ای وجود داشت که روی نقشه معروف به جنگل عمقر بود. جنگل عمقر دارای پوشش گیاهی خوبی بود که بخش‌هایی از آن برای انجام عملیات مناسب بود. بچه‌های اطلاعات با چنان ظرافتی کار شناسایی را انجام می‌دادند که عراقی‌ها از حضور ما در این منطقه تا مدت‌ها مطلع نشدند. ما در این منطقه بکر و دست‌نخورده می‌توانستیم به راحتی از پوشش بیشه‌زار آن برای استتار استفاده کنیم (همان، ۲۹).

### ۱۰ - ۳ - طرح مانور عملیات والفجر مقدماتی:

در طراحی عملیات مقرر شد قوای دو قرارگاه کربلا و نجف به طرف العماره تک نمایند. در مرحله اول، قوای قرارگاه نجف در محور طاووسیه تا رشیده، حدفاصل خط تا کانال‌های آخر را تصرف کرده و در مرحله دوم و در ادامه تک، جناح راست تا حاشیه جنوبی دویرج (پشت جاده آسفالت فکه و در غرب بزرگراه و سرپل حلفائیه) را تصرف نمایند. نیروهای قرارگاه کربلا نیز می‌بایست با استفاده از معابر وصولی، جای پای تصرف شده توسط قرارگاه نجف را تا چزابه ادامه داده و در پشت کانال پدافند نمایند. در مرحله دوم، منطقه شرق غزیه و شمال هورالهویزه پاک‌سازی شده و سرپل غزیه تأمین گردد. هم‌چنین با احداث خاکریز، جناح قوای کربلا می‌بایست تأمین شود تا چنانچه مأموریت قوای نجف در رسیدن به جاده با مشکل مواجه شد، جناح قوای کربلا از تعرض و آسیب دشمن مصون بماند.

در صورتی که اهداف مراحل اول و دوم عملیات تحقق می‌یافت، چنین پیش‌بینی شده بود که با بازسازی یگان‌ها و ایجاد شرایط مناسب و نیز با توجه به وضعیت دشمن، عملیات در مرحله سوم به سمت العماره ادامه یابد. همچنین مقرر شد در منطقه چیلان و طیب، تک فریب انجام شود. لشکر

۱۴ امام حسین (ع) نیز مأموریت داشت تا در منطقه فاو عملیات فریب انجام دهد.



نقشه ۱- شمای اهداف نیروهای خودی در عملیات والفجر مقدماتی

### ۱۱-۳- شرح عملیات والفجر مقدماتی:

در ساعت ۲۱:۳۰ روز ۱۳۶۱/۱۱/۱۷ پس از اعلام رمز مبارک یا الله، یا الله، یا الله، عملیات از پنج محور شمال و جنوب رشیده، صفریه و ارتفاعات چرم و خاک آغاز شد و نیروها در تاریکی مطلق شب به منظور پاک‌سازی میادین مین و شکستن خطوط دفاعی دشمن و رخنه در این خطوط، پیشروی خود را آغاز کردند. وسعت و عمق موانع و استحکامات دشمن و وجود کانال‌های متعدد، سرعت لازم را از نیروها گرفت. در نتیجه، اگرچه خط اول دشمن شکسته شد، اما به دلیل عدم پاک‌سازی منطقه - درحالی‌که تاریکی شب رو به پایان بود - طبیعی به نظر می‌رسید که امکان استقرار کامل وجود نداشته باشد. در واقع، تاریکی مطلق شب، عدم الحاق نیروها و پاک‌سازی منطقه، عمق و وسعت زیاد میادین مین، هوشیاری و اطلاع قبلی دشمن نسبت به وقوع عملیات، عوامل بازدارنده‌ای بودند که به عدم تأمین کامل اهداف مرحله اول عملیات منجر شد.

به‌رغم وضعیت موجود، به خاطر موقعیت خاصی که به تبع آغاز عملیات در میان مردم ایجاد شده بود و از طرفی به دلیل امیدواری مسئولین و نیز تبلیغات سوء دشمن و ... مرحله دوم عملیات در ساعت ۲۱ روز ۱۳۶۱/۱۱/۲۰، به‌منظور انهدام نیرو و تجهیزات دشمن آغاز گردید؛ اما این بار نیز عدم هماهنگی در نیروهای عمل‌کننده و همچنین هوشیاری دشمن و احاطه او بر راه‌کارهای خودی، مانع از پیشرفت رزمندگان گردید.

در این عملیات از ابتدای پیشروی نیروهای خودی از نقطه‌رهایی تا رسیدن به خط دوم دشمن، بیش از ۱۶ نوع مانع از سوی دشمن تعبیه و ایجاد شده بود و یا به‌صورت عارضه طبیعی منطقه وجود داشت. دشمن با این اقدامات در واقع آنچه را به‌صورت تجربه از عملیات‌های گذشته به دست آورده بود، تقریباً به‌صورت کامل در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی اجرا کرد. ارتش عراق سعی داشت با موانع یادشده تا حد امکان در پیشروی نیروهای ایرانی تأخیر بیاندازد. از این‌رو، موانع مزبور به‌منزله زنگ خطر و عامل هشداردهنده محسوب می‌شد؛ و از طرفی به‌طور طبیعی توان نیروها را جهت تأمین اهداف در شب می‌گرفت. علاوه بر این، گرفتن جناح و به‌کارگیری نیروی احتیاط، دو موضوع قابل توجه بود که در تاکتیک‌های دشمن در عملیات والفجر مقدماتی مشاهده گردید.

موضوع دیگر اینکه در گذشته نیروهای هجومی و اصلی دشمن در خط مقدم نبرد حضور داشتند و به‌طور طبیعی در معرض آسیب‌پذیری نیروهای مهاجم بودند؛ لیکن در این عملیات نظر به اینکه دشمن شکستن خط را برای خود مفروض می‌دانست، نیروهای هجومی‌اش را در احتیاط قرار داد و با گذاردن نیروهای پدافندی در خط و عمق‌بخشیدن به میادین مین و ایجاد موانع دیگر، عملاً سعی بر این داشت که پس از گرفتن توان نیروهای مهاجم با واردکردن نیروهای اصلی خود، مناطق تصرف‌شده را باز پس گیرد.

اگرچه در این عملیات پاسگاه‌های ایرانی سوبله، صفریه، رشیده و طاوسیه آزاد شد و پاسگاه‌های عراقی وهب، کارمه و صفریه به تصرف رزمندگان درآمد و ۱۲۰ نفر از نظامیان عراقی نیز اسیر شدند، اما این عملیات به اهداف خود نرسید. پشتیبانی هوایی رزمندگان اسلام در عملیات بسیار ضعیف بود و در عوض نیروی هوایی عراق به‌طور مرتب مواضع و مراکز نیروهای ایرانی را بمباران می‌کرد. آموزش نیروهای رزمنده ضعیف بود و برخی از یگان‌ها تجربه کافی جنگی

نداشتند. منافقین هم در منطقه فعال و در جمع آوری اسرای ایرانی به ارتش عراق کمک می کردند. در این عملیات حدود ۶۰۰ نفر از رزمندگان اسلام شهید و ۲۵۰۰ نفر مجروح و ۲۵۰۰ نفر نیز مفقود شده و یا به اسارت دشمن درآمدند. ۴۵ تانک یا خودرو نیز از دست رفت (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۲۸۱).

تصور طراحان عملیات بر این بود که حمله از طریق زمین های رملی در جنوب فکه موجب غافلگیری یگان های ارتش عراق خواهد شد؛ اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد، زیرا استفاده از زمین های رملی در عملیات طریق القدس، ارتش عراق را نسبت به این نوع مناطق حساس و با تاکتیک ایران آشنا کرده بود. معمولاً استفاده از هر نوع غافلگیری در جنگ، فقط یکبار کاربرد دارد. از سوی دیگر در طرح مانور عملیات والفجر مقدماتی، یگان ها بایستی فاصله نسبتاً زیاد خود با قوای دشمن را به صورت ستونی و نفوذی تا منطقه هجوم راهپیمایی می کردند. این منطقه رملی و عبور از آن برای نیروی پیاده بسیار سخت و طاقت فرسا بود.

#### ۴ - پیشینه پژوهش

جستجوی دقیق و بسیار در منابع و پایگاه های معتبر مقالات نشان داد که متأسفانه تاکنون هیچ مقاله علمی در خصوص عملیات والفجر مقدماتی به نگارش درنیامده است؛ چه بسا اینکه محققى درباره نقش عوامل جغرافیایی در این عملیات، تحقیق کرده باشد. تنها چند کتاب که تعداد آنها کمتر از انگشتان یک دست است، به این عملیات پرداخته اند. اگرچه به طور خلاصه در لابه لای اکثر کتاب های مربوط به عملیات ها، به این عملیات تنها به قدر تاریخ، مکان و شرح آن پرداخته شده است. با این حال، به چند مورد پژوهش در این خصوص اشاره می شود.

علیرضا لطف الله زادگان (۱۳۹۲) در کتاب بیست و سوم روز شمار جنگ ایران و عراق به طور مبسوط به بیان حوادث و وقایع اول دی تا ۳۰ بهمن ۱۳۶۱ پرداخته است. در این بین، حوادث و وقایع مربوط به روزهای شناسایی، طرح ریزی و اجرای این عملیات از اوایل بهمن ماه ۱۳۶۱ تا اواخر این ماه آورده شده است. مقدمه ۲۶ صفحه ای این کتاب به شرح عملیات و بازتاب آن پرداخته است. نویسنده در تهیه این کتاب در بخش مربوط به عملیات والفجر مقدماتی از نتایج تحقیقات میدانی و گزارش های تدوین شده راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ که در سطوح

مختلف تصمیم‌گیری و اجرا در قرارگاه مرکزی و قرارگاه‌های تابعه و یگان‌های عمل‌کننده در کنار فرماندهان حضور داشته‌اند، بهره گرفته است.

عبدالرضا سالمی‌نژاد (۱۳۹۷) در کتابی با عنوان «نبرد در رمل‌های جنگل عمقر» به طور مبسوط حضور لشکر ۷ ولی‌عصر (عج) در عملیات والفجر مقدماتی را برجسته کرده است. این کتاب در شش فصل، پس از نگاه کلی به عملیات والفجر مقدماتی، به بیان گزارش آماده‌سازی و استقرار لشکر ۷ ولی‌عصر برای اجرای عملیات، گزارش عملیات، گزارش تیپ یک پیاده این لشکر، گزارش تیپ دوم پیاده و گزارش یگان زرهی لشکر در این عملیات پرداخته است. شیوه نویسنده در این کتاب، مصاحبه با فرماندهان و مسئولین لشکر ۷ ولی‌عصر (عج) می‌باشد.

همان‌گونه که اشاره شد تاکنون هیچ پژوهش مستقلی در باب موضوع این مقاله به عملیات والفجر مقدماتی نپرداخته است. از این حیث می‌توان ادعا کرد که پژوهش حاضر در انتخاب موضوع و تحلیل آن منحصر به فرد است.

## ۵- روش تحقیق:

روش اجرای این تحقیق، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. با این روش، داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از کنکاش در کتاب‌ها و مقالات موجود در کتابخانه‌ها و سایت‌های اینترنتی معتبر و نیز منابع و گزارش‌های منتشرشده توسط مراکز تحقیقاتی مرتبط مانند مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس گردآوری شد. همچنین نقشه‌های توپوگرافی منطقه تهیه و با استفاده از آن نقشه‌ها و داده‌های گردآوری شده موضوع تحقیق مورد تحلیل قرار گرفت.

## ۶- یافته‌های تحقیق

### ۱-۶- بررسی جغرافیایی منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی:

#### ۱-۱-۶- موقعیت جغرافیایی منطقه عملیات:

همان‌گونه که گفته شد این عملیات در منطقه فکه انجام شد. فکه، منطقه‌ای است بیابانی در شمال غربی خوزستان و جنوب شرقی استان ایلام. منطقه فکه، از جنوب به چزابه و شهر بستان، از شرق به میشداغ و رقابیه، از شمال غرب به عین خوش و شهر موسیان، از شمال شرق به چنانه، برغازه و سپس به شهر شوش و از غرب به استان العماره عراق منتهی می‌گردد. طول و عرض



جغرافیایی منطقه عمومی فکه از ۳۱ درجه و ۵۴ دقیقه شمالی تا ۳۲ درجه و ۱۵ دقیقه شمالی و ۴۷ درجه و ۲۵ دقیقه شرقی تا ۴۷ درجه و ۵۵ دقیقه شرقی امتداد دارد. ارتفاع آن از ۰ تا ۱۴۰ متر از جنوب به شمال، گسترده است (پوراحمد، ۱۳۹۰: ۱۸).

فکه به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. بخش جنوبی آن جزء استان خوزستان و شهرستان دشت آزادگان محسوب می‌شود، بخش شمالی آن جزء استان ایلام و از توابع شهرستان دهلران می‌باشد.

منطقه فکه، رملی و سرزمین شن‌های روان است، در بخش جنوبی آن رمل و شن‌های روان بیشتر است؛ به گونه‌ای که حرکت کردن روی آن بسیار سخت و طاقت فرسا است. خاک فکه شمالی سخت‌تر است و در بخش‌هایی از آن، خاک‌های رس و خاک‌های قابل کشت وجود دارد. بارندگی در فکه بسیار کم است، به گونه‌ای که اکثر مناطق آن خشک و بی‌آب و علف است؛ در منطقه فکه جنوبی، تعداد روستاها به تعداد انگشتان دستان هم نمی‌رسد و تنها عده‌ای از عشایر در آن زندگی می‌کنند. در منطقه فکه شمالی به علت وجود رودخانه دویرج و باران‌های فصلی، روستاهای معدودی وجود دارد و منطقه قابل تحملتری می‌باشد.

## ۲- ۱- ۶- ارتفاعات و عوارض شمال منطقه عملیاتی:

به‌طور کلی ارتفاعات موجود در استان خوزستان دارای قله و ارتفاعات زیادی نیست. این ارتفاعات به دو قسمت مرکزی و مرزی تقسیم می‌شود. منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی در ارتفاعات مرزی واقع شده است. برخی از زمین‌شناسان و جغرافی‌دانان معتقدند که این منطقه از نظر توپوگرافی فاقد چین‌خوردگی مهمی می‌باشد. مهم‌ترین عارضه توپوگرافی این منطقه که از نظر نظامی نیز دارای اهمیت می‌باشد، وجود کوه‌های حمزین و فوقی در شمال غربی آن و نیز تپه‌های رملی و شنی در قسمت شرقی این منطقه است. ارتفاعات حمزین دارای قله‌های مجزا از هم بوده و دره‌های نسبتاً عمیقی در آن وجود دارد که حاصل فرسایش آبی و سیلاب‌های زمستانه می‌باشند (رمضانی، ۱۳۸۱: ۷۹). ارتفاعات «حمزین» در این ناحیه به نحوی گسترش یافته است که خط مرز از «فکه» در جنوب این ارتفاعات تا محل عبور رودخانه «میمه» از ایران به عراق در میان آن عبور می‌کند. این ارتفاعات در جنوب غربی «موسیان»، حداکثر ۴۰۰ متر و در منطقه‌ی «ربوط»

به سمت «فکه» حدود ۱۵۰ متر ارتفاع دارد.

ارتفاعات جبل فوقی ارتفاعات محدودی است که در شمال منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی واقع شده است و اکثر قسمت‌های آن در خاک عراق ادامه دارد و ادامه آن به ارتفاعات حمزین محدود می‌گردد.

### ۳-۱-۶- رمل‌ها یا تپه‌های شنی:

یکی از ویژگی‌های مهم منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی، وجود تپه‌های شنی یا همان رمل‌ها است. این عارضه طبیعی از جمله رسوبات عهد حاضر است که در سطح تقریباً وسیعی، قسمت‌هایی از سطح منطقه خوزستان به‌خصوص منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی را پوشش داده است. این رسوبات چون توسط بادهای جابه‌جا می‌شوند، عموماً دارای قدرت تحرک فراوان بوده و به همین دلیل مشکلات و دشواری‌های زیادی برای مراکز تجمع انسانی به وجود می‌آورند. به طور کلی، منشاء این رمل‌ها از تخریب مکانیکی و فرسایش بادی ماسه‌های حمل‌شده به این منطقه می‌باشد. این ذرات اکثراً به صورت چندضلعی‌هایی با زوایه‌های تند است (کریمی، ۱۳۹۸: ۱۵۰). از نظر مرفولوژیکی، زمین‌های منطقه فکه از جنس رسوبات رس، سیلت و شن می‌باشند که غالباً تحت فرسایش آبی و بادی قرار می‌گیرند. از مشخصات خاک این اراضی، وجود خاک‌های رسوبی شور با بافت درشت و خاک‌های کالوویال و ریگوسل می‌باشد که در تقسیم‌بندی خاک به روش فائو، از خاک‌های عمیق با بافت متوسط تا سنگین می‌باشند و از آبرفت‌های جوان شکل گرفته‌اند. خاک‌های این منطقه، شور و دارای املاح محلول زیاد و بدون ساختمان فیزیکی است (رمضانی، ۱۳۸۱: ۷۹).

تپه‌های رملی در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی از محدوده تنگه چزابه تا پاسگاه فکه گسترده شده‌اند. وجود باد سالیانه غربی شرقی در این منطقه، سبب جابه‌جایی این تپه‌های ماسه‌ای از غرب به شرق می‌شود. برابر محاسبات انجام‌شده، اگر طرح تثبیت ماسه‌های روان در این مناطق اجرا نشود، این تپه‌ها با همه عظمت، سالیانه ۲ سانتیمتر جابه‌جا خواهند شد.

### ۴-۱-۶- پوشش گیاهی منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی:

از لحاظ پوشش گیاهی، این منطقه فقیر و فاقد تنوع گیاهی بوده و قسمت اعظم این منطقه

دارای پوشش گیاهی علفخواری و گیاهانی از نوع «داز» می‌باشد. گاهی تک درختان گز به صورت پراکنده در این منطقه دیده می‌شود. در جنوب تنگه ذلیجان، منطقه‌ای از انبوه درختان گز دیده می‌شود که به جنگل عمق شهرت دارد.

#### ۵- ۱- ۶- شبکه آب‌های منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی:

مهم‌ترین شبکه آبی که در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی جریان دارد، رودخانه دویرج می‌باشد. رودخانه دویرج در ۳ کیلومتری شمال غربی فکه واقع شده است. این رودخانه از کوه‌های کبیرکوه در شمال شرق دهلران سرچشمه گرفته و پس از جمع‌آوری آب‌های منطقه وسیعی از غرب کشور، از ایران خارج شده و وارد خاک عراق می‌گردد. این رودخانه پس از عبور از بخش‌های موسیان و آبدانان وارد منطقه فکه شده و قسمتی از مرز دو کشور ایران و عراق را تشکیل داده و سپس وارد خاک عراق می‌گردد. طول این رودخانه حدود ۲۰۰ کیلومتر بوده و وسعت حوضه آبریز آن ۲۴۴۰ کیلومتر مربع می‌باشد. این رودخانه جریان دائمی داشته و دارای آبی شور با سیلاب‌های شدید می‌باشد. آب‌دهی متوسط رودخانه دویرج ۵/۰۸ متر مکعب در ثانیه است (رزم‌آرا، ۱۳۲۰: ۹۸).

#### ۶- ۱- ۶- اقلیم منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی:

آب‌وهوای منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی، بیابانی، گرم و خشک است. در چنین منطقه‌ای، تبخیر سالیانه بیشتر از بارش بوده و به همین دلیل، تنوع بیولوژی در آن محدود می‌شود. متوسط بارش سالیانه در مناطق خشک بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ میلی‌متر است (کریمی، ۱۳۹۸: ۷۱).



نقشه ۲ - شمالی جغرافیای طبیعی منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی

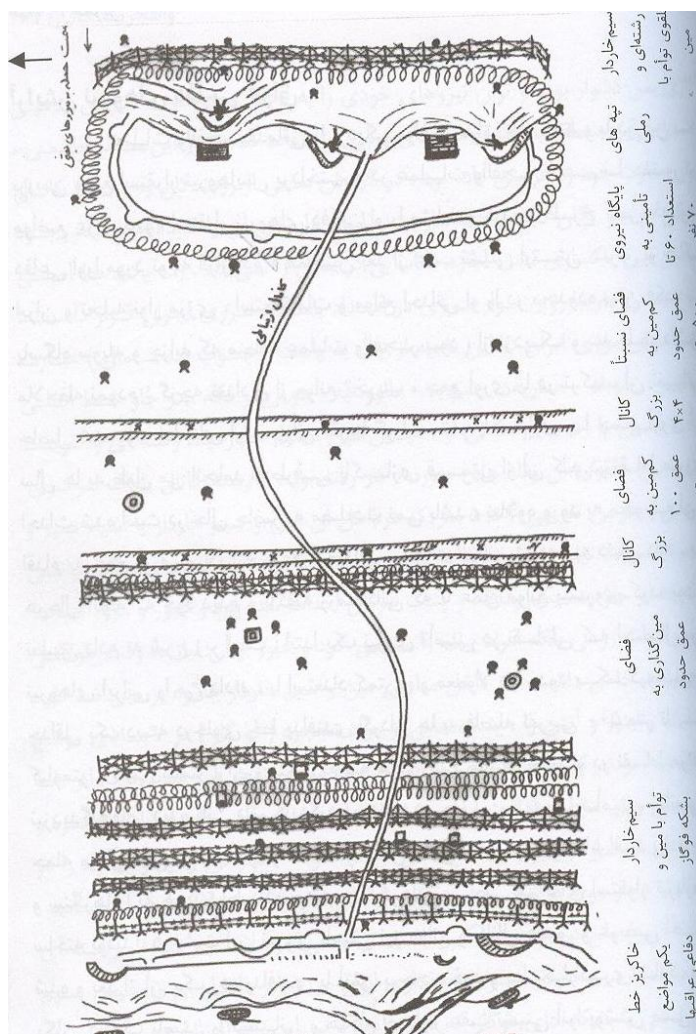
## ۷ - ۱ - ۶ - جغرافیای انسانی (عوامل دست ساز) منطقه عملیاتی والفجر

### مقدماتی:

در این پژوهش از جغرافیای انسانی و یا همان عوامل دست ساز منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی به عنوان موانع یاد شده است. به طور کلی، هر نوع عارضه زمینی، حالت خاص از خاک، آب و هوا یا اشیاء ساختگی غیر از قدرت آتش که به منظور اختلال در حرکت، نفوذ و پیشروی دشمن مورد استفاده قرار می گیرد، مانع نامیده می شود (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۴۳).

در پی شکست های عراق در عملیات های قبل از عملیات والفجر مقدماتی، ارتش بعث با دست کاری در جغرافیای طبیعی منطقه، موانع مصنوعی بسیاری را در این منطقه ایجاد کرد. میداین مین گسترده، انواع سیم های خاردار و کانال، بخشی از این موانع مصنوعی می باشد.

مهم‌ترین عارضه دست‌ساز منطقه، حفر سه کانال توسط عراق در منطقه بود. کانال اول که در فاصله ۷۰۰ متری از تپه دو قلو حفر شده بود، حدود یک‌صد کیلومتر (از شرفانی تا چزابه) طول داشت. ۶ متر عرض و ۴ متر عمق داشت. در زمان بارندگی به دلیل رُسی بودن خاک کف کانال‌ها، گل جمع شده و بعد از مدت کوتاهی تبدیل به لجن می‌شد. در بعضی از قسمت‌های کانال، حدود نیم متر آب و لجن وجود داشت.



نقشه ۳- شمای عوارض مصنوعی ایجادشده در عملیات والفجر مقدماتی

## ۲-۶- تحلیل عوامل جغرافیایی مؤثر در عملیات والفجر مقدماتی

تحلیل مکانی در همه ابعادش، مهم‌ترین موضوع در علم جغرافیا است. چنین تحلیلی می‌تواند در اکثر رشته‌ها و دانش‌ها، نقش کاربردی ایفا کند. از جمله این رشته‌ها که نیاز ضروری به تحلیل مکانی دارد، جغرافیای نظامی می‌باشد؛ زیرا تمام اعمال و طرح‌های نظامی در بستر مکان صورت می‌گیرد و شناخت پدیده‌های جغرافیایی در انجام هر گونه طرح و عملیات نظامی مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند.

عوامل جغرافیایی و نحوه پراکندگی عوارض جغرافیایی از جمله وجود کوه‌ها، دره‌ها، اقلیم، نوع خاک و پوشش گیاهی و موقعیت جغرافیایی منطقه، هر کدام به صورت فردی و در ارتباط با هم در نحوه حرکت نیروها و چگونگی عملیات، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کنند. به همین جهت طراحان نظامی و فرماندهان هر عملیات باید آشنایی کاملی با منطقه و عوارض و جغرافیای مکان عملیات داشته باشند؛ زیرا تنها با آگاهی از این امر می‌تواند با تحمل کمترین خسارات و تلفات به هدف مورد نظر رسید.

در عملیات والفجر مقدماتی نیز همانند سایر عملیات‌های نظامی، مهم‌ترین مسئله در میان فرماندهان نظامی عملیات، شناسایی دقیق عوارض و پدیده‌های جغرافیایی منطقه عملیات بود.

### ۱-۲-۶- اثر عوامل مورفوژیک و جغرافیای طبیعی روی عملیات:

همانطور که اشاره شد یکی از مهم‌ترین پوشش‌های گیاهی منطقه عملیات، وجود گیاهان گز در منطقه‌ای موسوم به جنگل عمقر بود. در عملیات والفجر مقدماتی، رزمندگان درمانگاه صحرائی، قرارگاه و بنه‌های تدارکاتی خود را در پناه این درختان احداث کرده بودند و در شب عملیات از این محل برای تجهیز، سازمان‌دهی، هدایت و پشتیبانی گردان‌های عمل‌کننده در محور جنوبی استفاده می‌کردند. نیروهای جهاد سازندگی برای تسهیل تردد به دشت‌های شرق فکه، به ساخت جاده‌ای با تراورس و صفحه‌های فلزی مشبک از میان این جنگل تا پاسگاه‌های مرزی صفریه و رشیدیه اقدام کردند که به علت کمبود امکانات ناتمام ماند.

خاک منطقه به دلیل رملی بودن و جابه‌جایی رمل‌ها، بیشترین چالش و مشکل را برای رزمندگان اسلام در شناسایی و زمان اجرای عملیات ایجاد کرده بود.

زمین ناپایدار منطقه عملیاتی که سرشار از شن‌های روان بود، معضلات مختلفی را برای نیروهای اطلاعات که وظیفه شناسایی منطقه را برعهده داشتند، پیش رو گذاشت. بهم‌ریختن نظام میداین مین چند ساله و جابه‌جایی‌های مین‌های کارگذاری شده توسط دشمن، از بین رفتن جاده‌های روستایی، تغییرات سریع جوی، حرکت تند ریزگردها و مه‌آلود شدن ناگهانی هوا، باران‌های تند جنوب و مشکل نمودن تردد در مسیرها از جمله آن‌ها بودند. عدم امکان حفر سنگر و برپا کردن چادر به جای آن، از چالشی‌ترین موضوعاتی بود که خطر لو رفتن مأموریت شناسایی و حساسیت دشمن را نیز به دنبال داشت.

یکی از نیروهای شناسایی در کتاب نبرد در رمل‌های جنگل عمقر در خصوص مشکلات عدیده فراروی شناسایی منطقه فوق می‌گوید: «زمین ناپایدار منطقه عملیاتی که سرشار از شن‌های روان بود، معضلات مختلفی را برای نیروهای اطلاعات که وظیفه شناسایی منطقه را برعهده داشتند، پیش رو گذاشت. بهم‌ریختن نظام میداین مین چند ساله و جابه‌جایی‌های مین‌های کارگذاری شده توسط دشمن، از بین رفتن جاده‌های روستایی، تغییرات سریع جوی، حرکت تند ریزگردها و مه‌آلود شدن ناگهانی هوا، باران‌های تند جنوب و مشکل نمودن تردد در مسیرها از جمله آن‌ها بودند. عدم امکان حفر سنگر و برپا کردن چادر به جای آن، از چالشی‌ترین موضوعاتی بود که خطر لو رفتن مأموریت شناسایی و حساسیت دشمن را نیز به دنبال داشت» (سالمی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۴۷).

وی ادامه می‌دهد که: «یکی از مشکلات ما رملی بودن زمین بود، چه وقتی سواره بودیم و چه پیاده. ابتدا با موتور، هر ۱۰، ۲۰ متر که می‌رفتیم زمین می‌خوردیم؛ چرخ جلوی موتور خیلی سریع در رمل فرو می‌رفت و موتور را واژگون می‌کرد؛ اما بعدها یاد گرفتیم که باید فرمان را محکم بگیریم و گاز بدهیم. اگر کمی توقف می‌کردیم، چرخ جلو توی رمل‌ها فرو می‌رفت. این تجربه را به دیگران هم انتقال دادیم و کم‌کم برایمان عادی شد. دو میدان مین با مین‌های خیلی زیاد توی منطقه بود که مشخص نبودند، چون رمل‌ها روی‌شان را پوشانده بودند» (همان).

در هنگام باد و طوفان و باران، مشکلات شناسایی منطقه صدچندان می‌شد. غلامرضا کاج به عنوان مسئول طرح و عملیات لشکر ۷ ولی‌عصر در زمان عملیات می‌گوید: در این عملیات، این اولین بار بود که در زمین‌های رملی باید عملیات انجام می‌دادیم، عملیات‌های پیشین همگی در

زمین‌های خاکی و محکم بودند. از طرفی چون زمین ناپایدار بود و نمی‌شد در آن سنگر زد، همه نیروها در چادر مستقر می‌شدند؛ هرچند از نظر نظامی کار صحیحی نبود و امکان عکس‌برداری هوایی توسط دشمن زیاد بود. مشکل دیگر، رملی بودن زمین و خطرپذیری هنگام عبور از میادین مین بود؛ چرا که مین‌ها همراه شن‌های روان، جابه‌جا شده بودند. ما علاوه بر مهارت در حرکت در شنزار، باید فکری هم برای خنثی‌سازی و یافتن مین‌ها در مسیر حرکتمان می‌کردیم.

ما در گزارش‌های خود اوضاع جوی را هم می‌نوشتیم که امروز هوا ابری بود، باران‌زا بود، باد همراه با ریزگرد و حتی شن بود، هوا مه‌آلود یا خاک‌آلود بود و اجازه دید را به ما نمی‌داد و... به هر حال جو و هواشناسی موضوعی بود که باید توسط واحد اطلاعات مورد توجه قرار می‌گرفت و واحدهای مربوطه را در جریان آن می‌گذاشت (همان، ۴۹).

یکی دیگر از نیروهای شناسایی منطقه، برخی از خصوصیات منطقه را چنین برشمرده است:  
منطقه عمومی جنگل عمق در ماه‌هایی از سال، شرایط خاصی داشت که به‌اختصار به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنم.

۱- فاصله مقر استقرار تا خطوط دشمن خیلی زیاد بود و امکان استفاده از وسایل نقلیه خیلی محدود بود، چون تردد وسایل نقلیه باعث هوشیاری دشمن می‌شد. از طرفی جاده مناسب نیز در آن فاصله نبود.

۲- در ماه‌های دی و بهمن سال ۱۳۶۱، هوا بسیار سرد بود و دما به زیر صفر می‌رسید، به‌طوری که اغلب موجب یخ‌زدگی آب‌های سطحی می‌شد.

۳- خاک منطقه رملی بود و حرکت روی آن در مسافت‌های طولانی چه به‌صورت پیاده و چه با موتورسیکلت مشکل بود.

۴- شب‌های غیر مهتابی و ابری، هوا به قدری تاریک می‌شد که نفرات مجبور بودند با فاصله بسیار کم از همدیگر حرکت کنند، به‌طوری که بعضی مواقع با توقف نفر جلویی، نفر پشت سر با او برخورد می‌کرد (همان، ۵۰).

دشت بودن منطقه عملیاتی نیز اگرچه فرصت بسیار خوبی برای تشخیص به‌هنگام هواپیماهای دشمن و انجام عکس‌العمل مناسب از طرف نیروهای ایرانی فراهم کرده بود، اما آسیب‌پذیری رزمندگان اسلام را در این عملیات زیاد کرده بود.



جغرافیای طبیعی منطقه باعث شده بود تا از زرهی برای عملیات، استفاده درست و مناسبی نشود. عمق میدان نبرد، سختی پیاده‌روی ۱۲ کیلومتری نیروهای پیاده در رمل و تلاش برای استفاده حداکثری از زمان به منظور فتح مواضع تعیین شده قبل از روشنایی صبح از جمله دلایلی بودند که فرماندهان و حتی فرمانده و نیروهای تیپ زرهی را به چالش کشید. از جمله موضوعات چالشی، آشنایی اندک راننده‌های خودروهای زرهی با محور عملیاتی لشکر، کمبود تجهیزات زرهی و فرسوده‌بودن آن‌ها که عموماً غنیمتی بودند، مخاطره‌بودن حمل بیش از ظرفیت نفرات بر بالای نفربرها، حجیم و مشخص‌بودن هدف برای توپخانه و آر پی جی زن‌های دشمن، سختی کنترل و هدایت تعداد زیادی تجهیزات زرهی به دلیل پراکندگی آن‌ها در دشت، نداشتن تجربه کافی و جدیدبودن این نوع عملیات سوار زرهی - که برای اولین بار صورت می‌گرفت - و مسائلی از این دست بودند. علاوه بر آن در صحنه عمل، حرکت تند نفربرها روی رمل‌ها، باعث گرد و خاک شدید و در نتیجه کم کردن دید نفربرهای عقب‌تر و سبب سقوط برخی از آن‌ها در کانال‌های دشمن گردید.

سردار کوسه‌چی با یادآوری خاطرات خود در این مورد می‌گوید: «از مهم‌ترین دلایل استفاده از زرهی که برای اولین بار به صورت هم‌زمان با گردان‌های پیاده و برای انتقال نیروها در رمل و در شب استفاده می‌شد؛ در واقع دسترسی به منطقه بصره بود که بعد از عملیات بیت‌المقدس به هیچ وجه امکان دسترسی به آن وجود نداشت؛ چرا که دشمن با ایجاد خاکریز مثلثی شکل و موانع متعدد و استحکامات قابل توجه توانست از نفوذ و حرکت نیروهای خودی جلوگیری کند. لذا برای دورزدن دشمن و موانع او، این منطقه انتخاب شده بود. لیکن لازمه این حرکت، تصرف پل غزیه و پایگاه‌های مرزی سابله، رشیدیه، وهب، صفریه و چند پاسگاه دیگر و رسیدن به منطقه العماره بود. لذا حرکت نیرو از منطقه رهایی تا اولین موانع و خطوط پدافندی دشمن، حدود ۸ تا ۱۰ کیلومتر پیاده‌روی در زمین‌های رملی بود که حرکت در این گونه زمین‌ها نیروها را چند برابر خسته می‌کند» (سالمی نژاد، ۱۳۹۷: ۱۳۶).

عبدالمحمد کوچک، جانشین ستاد یکی از لشکرهای عمل‌کننده در عملیات والفجر مقدماتی با اشاره به این موضوع می‌گوید: «در یکی از جلسات فرماندهی، طرح عملیاتی لشکر و چگونگی واردشدن گردان‌ها مورد بحث قرار گرفت. منطقه عمومی عملیات، ماسه‌ای بود و از طرفی فاصله

خط خودی تا خط دشمن نزدیک ۹ کیلومتر بود. علاوه بر این، ما اهدافی را در عمق باید تصرف می‌کردیم؛ یعنی چیزی حدود ۱۵ کیلومتر در مرحله اول باید پیشروی می‌کردیم. جنس زمین به دلیل ماسه‌ای بودن، برای حرکت نیروهای پیاده خسته‌کننده بود، در عین حال آن‌ها باید از میادین مین وسیع و چندین کانال هم عبور می‌کردند. به همین دلایل تصمیم گرفته شد در شب عملیات، نیروها مسیر را به وسیله تانک و نفربر طی کنند. لذا برای اولین بار به نیروها آموزش سوار و پیاده شدن از تانک و نفربر داده شد. ولی با این حال اولین تجربه ما در سوار زرهی محسوب می‌شد. برادر علی نوری، از فرماندهان زرهی در جلسه کنار من نشسته بود و دائم می‌گفت: این کار اشتباهی است و نمی‌توان از ادوات زرهی برای حمل نیرو استفاده کرد، ولی جرأت علنی کردن اظهارات خود را نداشت و یقیناً اگر هم مطرح می‌کرد، مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت، چون غالب فرماندهان و مسئولان با استفاده از ادوات زرهی در شب موافق بودند» (همان).

## ۲-۲-۶- اثر جغرافیای انسانی (عوامل دست‌ساز) روی عملیات:

همان‌گونه که گذشت، ارتش بعث عراق با کمک مستشاران خارجی خود، زمین منطقه را دست‌کاری کرده و به انواع موانع مسلح کرده بود. گفته می‌شود دشمن برای اولین بار از آغاز جنگ تا عملیات والفجر مقدماتی، در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی بیش از ۱۶ رده مانع، برای متوقف کردن یا اتلاف وقت رزمندگان اسلام کار گذاشته تا مانع از سقوط خطوط دفاعی خود گردد. از این میان، شاید مهم‌ترین آن‌ها کانال زوجی بودند که با عمیق و عریض کردن آن‌ها و گستردن سیم خاردار، موانع خورشیدی و انواع مین در کف آن‌ها، امیدوار بود که عبور از آن‌ها برای رزمندگان اسلام غیرممکن شود؛ اما رزمندگان گردان‌های خط‌شکن با همراه بردن نردبان‌های چوبی با ارتفاع دلخواه تلاش داشتند بر این مانع مصنوعی سدکننده فائق آیند. گفتنی است که ارتش عراق در این منطقه، ۳ کانال سراسری و موازی موسوم به کانال اول، کانال دوم و کانال کشاورزی احداث کرده بود. کانال‌های اول و دوم به فاصله یک کیلومتر از یکدیگر و دارای عرض ۵ متر و عمق بیش از ۲ متر بودند و از چزابه آغاز و تا شهرک طیب ادامه داشتند. ارتش عراق، درون این کانال‌ها را با سیم خاردار و مین‌های نامنظم مسلح کرده بود. کانال کشاورزی که کانالی قدیمی و در دو طرف آن خاکریز احداث شده بود، از شمال منطقه در عراق

آغاز شده و پس از ۲۰ کیلومتر به هورالهویزه وصل می‌شد. عرض کانال ۱۰ متر و عمق آن ۵ متر بود (لطف‌الله زادگان، ۱۳۹۲: ۲۲).

فرمانده لشکر ۷ ولی عصر در این خصوص می‌گوید: «عراقی‌ها کانال بسیار بزرگی را با عمق و عرض زیاد در منطقه عملیات ایجاد کرده بودند که پلی روی آن نبود، یعنی هیچ راهی برای عبور از آن وجود نداشت. بچه‌های اطلاعات برای ورود به کانال نردبان می‌بردند و با قراردادن نردبان پایین می‌رفتند و سپس نردبان را در آن طرف کانال می‌گذاشتند و بالا می‌رفتند و منطقه دشمن را شناسایی می‌کردند. نیروهای اطلاعاتی به ما گزارش دادند که عراق اقدام به ایجاد مواضع و موانعی در مکان‌هایی کرده که بچه‌ها از قبل برای نفوذ به عراقی‌ها شناسایی کرده بودند. درون این کانال بزرگ را هم سیم خاردار زده و میدان مین ایجاد کرده است، همچنین دشمن خطوط پدافندی زده و مواضع محکمی ایجاد کرده است» (سالمی نژاد، ۱۳۹۷: ۱۳۹).



شکل ۱ - تصویری از یکی از موانع مصنوعی در عملیات والفجر مقدماتی

## ۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

شناخت پدیده‌های جغرافیایی در انجام هرگونه طرح و عملیات نظامی، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند. عوامل جغرافیایی و نحوه پراکندگی عوارض جغرافیایی از جمله وجود کوه‌ها، دره‌ها، اقلیم، نوع خاک و پوشش گیاهی و موقعیت جغرافیایی منطقه هرکدام به صورت فردی و در ارتباط با هم در نحوه حرکت نیروها و چگونگی عملیات، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کنند. به همین جهت، طراحان نظامی و فرماندهان هر عملیات باید آشنایی کاملی با منطقه و عوارض و جغرافیای مکان عملیات داشته باشند؛ زیرا تنها با آگاهی از این امر می‌توانند با تحمل کمترین خسارات و تلفات به هدف مورد نظر رسید.

در عملیات والفجر مقدماتی نیز همانند سایر عملیات‌های نظامی، مهم‌ترین مسئله در میان فرماندهان نظامی عملیات، شناسایی دقیق عوارض و پدیده‌های جغرافیایی منطقه عملیات بود. در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش که عوامل جغرافیایی چه نقشی در طرح‌ریزی، اجرا و نتایج عملیات والفجر مقدماتی داشته است؟ می‌توان گفت که در این عملیات، به‌رغم شناسایی‌های گسترده و دقیق زمین و عوارض جغرافیایی منطقه، عوامل مصنوعی و ایجاد موانع گسترده ارتش بعث عراق، در نرسیدن این عملیات به هدف مورد نظر موثر بوده است.

از نظر ارتفاعات، منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی در ارتفاعات مرزی استان خوزستان واقع شده است. مهم‌ترین عارضه توپوگرافی این منطقه که از نظر نظامی نیز دارای اهمیت می‌باشد، وجود کوه‌های حمیرین و فوقی در شمال غربی آن و نیز تپه‌های رملی و شنی در قسمت شرقی این منطقه است. ارتفاعات جبل فوقی، ارتفاعات محدودی است که در شمال منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی واقع شده است و اکثر قسمت‌های آن در خاک عراق ادامه دارد و ادامه آن به ارتفاعات حمیرین محدود می‌گردد.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی، وجود تپه‌های شنی یا همان رمل‌ها است. تپه‌های رملی در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی از محدوده تنگه چزابه تا پاسگاه فکه گسترده شده‌اند.

از لحاظ پوشش گیاهی، این منطقه فقیر و فاقد تنوع گیاهی بوده و قسمت اعظم این منطقه دارای پوشش گیاهی علفخواری و گیاهانی از نوع «داز» می‌باشد. گاهی تک درختان گز به صورت پراکنده در این منطقه دیده می‌شود. در جنوب تنگه ذلیجان، منطقه‌ای از انبوه درختان گز دیده می‌شود که به جنگل عمق شهرت دارد.

مهم‌ترین شبکه آبی که در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی جریان دارد، رودخانه دویرج می‌باشد. رودخانه دویرج در ۳ کیلومتری شمال غربی فکه واقع شده است. این رودخانه از کوه‌های کبیر کوه در شمال شرق دهلران سرچشمه گرفته و پس از جمع‌آوری آب‌های منطقه وسیعی از غرب کشور از ایران خارج شده و وارد خاک عراق می‌گردد.

مهم‌ترین عارضه مصنوعی منطقه، حفر سه کانال توسط عراق در منطقه بود. کانال اول که در فاصله ۷۰۰ متری از تپه دو قلو حفر شده بود، حدود یک‌صد کیلومتر (از شرفانی تا چزابه) طول داشت. ۶ متر عرض و ۴ متر عمق داشت. در زمان بارندگی به دلیل رسی‌بودن خاک کف کانال‌ها، گل جمع شده و بعد از مدت کوتاهی تبدیل به لجن می‌شد. در بعضی از قسمت‌های کانال، حدود نیم متر آب و لجن وجود داشت.

یکی از مهم‌ترین پوشش‌های گیاهی منطقه عملیاتی، وجود گیاهان گز در منطقه‌ای موسوم به جنگل عمقر بود. در عملیات والفجر مقدماتی، رزمندگان، در مانگاه صحرائی، قرارگاه و بنه‌های تدارکاتی خود را در پناه این درختان احداث کرده بودند و در شب عملیات از این محل برای تجهیز، سازمان‌دهی، هدایت و پشتیبانی گردان‌های عمل‌کننده در محور جنوبی استفاده می‌کردند. نیروهای جهاد سازندگی برای تسهیل تردد به دشت‌های شرق فکه، به ساخت جاده‌ای با تراورس و صفحه‌های فلزی مشبک از میان این جنگل تا پاسگاه‌های مرزی صفریه و رشیدیه اقدام کردند که به علت کمبود امکانات ناتمام ماند.

خاک منطقه به دلیل رملی‌بودن و جابه‌جایی رمل‌ها، بیشترین چالش و مشکل را برای رزمندگان اسلام در شناسایی و زمان اجرای عملیات ایجاد کرد.

زمین ناپایدار منطقه عملیاتی که سرشار از شن‌های روان بود، معضلات مختلفی را برای نیروهای اطلاعات که وظیفه شناسایی منطقه را برعهده داشتند، پیش رو گذاشت. بهم‌ریختن نظام میادین مین چند ساله و جابه‌جایی‌های مین‌های کارگذاری‌شده توسط دشمن، از بین رفتن جاده‌های روستایی، تغییرات سریع جوی، حرکت تند ریزگردها و مه‌آلود شدن ناگهانی هوا، باران‌های تند جنوب و مشکل نمودن تردد در مسیرها از جمله آن‌ها بودند. عدم امکان حفر سنگر و برپا کردن چادر به‌جای آن، از چالشی‌ترین موضوعاتی بود که خطر لو رفتن مأموریت شناسایی و حساسیت دشمن را نیز به دنبال داشت.



شکل ۲- تصویری از یکی از موانع طبیعی منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی

دشت بودن منطقه عملیاتی نیز اگرچه فرصت بسیار خوبی برای تشخیص به‌هنگام هواپیماهای دشمن و انجام عکس‌العمل مناسب از طرف نیروهای ایرانی فراهم کرده بود، اما آسیب‌پذیری رزمندگان اسلام را در این عملیات زیاد کرده بود.

جغرافیای طبیعی منطقه باعث شده بود تا از زرهی برای عملیات استفاده درست و مناسبی نشود. عمق میدان نبرد، سختی پیاده‌روی ۱۲ کیلومتری نیروهای پیاده در رمل و تلاش برای استفاده حداکثری از زمان برای فتح مواضع تعیین‌شده قبل از روشنایی صبح از جمله دلایلی بودند که فرماندهان و حتی فرمانده و نیروهای تیپ زرهی را به چالش کشید.

در خصوص اثر جغرافیای انسانی و یا همان عوامل دست‌ساز (موانع مصنوعی ارتش بعث عراق) روی عملیات می‌توان گفت که ارتش عراق در این منطقه، ۳ کانال سراسری و موازی موسوم به کانال اول، کانال دوم و کانال کشاورزی احداث کرده بود؛ بنابراین در پاسخ به سؤال پژوهش می‌توان گفت که رمل‌ها و عوامل جغرافیایی انسانی، بیشترین نقش را در نتیجه عملیات بر عهده داشتند.

### پیشنهاد:

با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود که در طرح‌ریزی عملیات‌های نظامی، حتماً یک کارشناس خبره مورفولوژی در کنار طراح و فرمانده عملیات‌های نظامی حضور داشته و با بررسی دقیق مورفولوژی منطقه، فرمانده را در طرح‌ریزی بدون نقص و موفق یاری نماید.

### منابع:

- ۱- افشین، یدالله (۱۳۷۳). رودخانه‌های ایران، تهران: وزارت نیرو.
- ۲- بوذرجمهری، علیرضا (۱۳۶۴). نگرشی به شهرستان دشت آزادگان، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- ۳- پوراحمد، احمد (۱۳۹۰). جغرافیای عملیات ماندگار دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۴- پورجباری، پژمان (۱۳۹۰). اطلس جغرافیای حماسی، جلد اول، تهران: انتشارات صریر.
- ۵- رزم آرا، علی (۱۳۲۰). جغرافیای نظامی ایران (خوزستان)، تهران: انتشارات ارتش.
- ۶- رضائی، نبی‌الله (۱۳۸۱). نقش عوامل جغرافیایی در عملیات عاشورای ۳، فصلنامه ره‌آورد مدیریت نظامی، شماره ۷، پاییز.
- ۷- سالمی‌نژاد، عبدالرضا (۱۳۹۷). نبرد در رمل‌های جنگل عمقر، تهران: نشر نیلوفران.
- ۸- لطف‌الله زادگان، علیرضا (۱۳۹۲). روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب بیست و سوم، والفجر مقدماتی، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- ۹- طاهری، عباس (۱۳۸۸). مهندسی رزمی، تهران: مرکز تألیف کتب درسی معاونت تربیت و آموزش سپاه.
- ۱۰- کریمی، مرتضی. شاه‌زیدی، سمیه‌سادات (۱۳۹۸). ژئومورفولوژی و آمایش سرزمینی ایران، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین(ع).
- ۱۱- علایی، حسین (۱۳۹۵). تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق، تهران: انتشارات مرز و بوم.